

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)

سال چهارم، شماره (۱۵)، پاییز ۱۳۹۴، صص ۵۵-۷۵

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات کشورهای خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ (مطالعه موردی بحرین و سوریه)

* محمدرضا دهشیری

دانشیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

علی عبدالله‌خانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا) دانشکده روابط بین‌الملل

چکیده

تحولات جهان عرب پس از سال ۲۰۱۱ در حال دگرگون ساختن شرایط و ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه خاورمیانه است و این دگرگونی‌ها منافع و امنیت بازیگران منطقه‌ای و از جمله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تحولات که کشورهای مختلف منطقه از جمله مصر، بحرین، یمن و سوریه را در بر گرفته است، به‌رغم برخی ویژگی‌های مشترک و مشابه در هر یک از حوزه‌ها از مشخصه‌های خاص خود برخوردار است. با توجه به اهمیت تحولات اخیر جهان عرب و پیامدهای آن برای امنیت ملی کشور و همچنین تأثیرگذاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران بر تحولات، نوشتار حاضر در پی بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر خاورمیانه در دو کشور بحرین و سوریه بر مبنای نظریه سازه‌انگاری است و در پی پاسخ به این پرسش است که چرا جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر در سوریه و بحرین رویکردی متمایز اتخاذ کرده است. فرضیه این تحقیق بر این مبناست که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون منافع ملی و باورها و ارزش‌ها، رویکردی متمایز در قبال دو کشور بحرین و سوریه اتخاذ کرده است، به‌گونه‌ای که در بحرین خواهان تغییر حکومت است و در سوریه از حکومت فعلی حمایت می‌کند. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و از این‌رو از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی برای تبیین موضوع بهره‌گیری شده - است.

واژگان کلیدی: منافع ملی، خیزش‌های مردمی، بحرین، سوریه، ایران، جهان عرب.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۷/۲۷

۱. مقدمه

جهان عرب شاهد دگرگونی‌هایی است که از دید تاریخی اگر بی‌سابقه نباشد، بی‌گمان کم‌سابقه است. رویدادها پیوسته، ژرفا و دامنه بیشتری می‌یابد، هرچند دگرگونی‌ها و ناآرامی‌ها را می‌شد پیش‌بینی کرد، ولی نه با این ژرفا و گستردگی. ماهیت ساختار سیاسی، سرکوب شدن آزادی‌های سیاسی در گذر دهه‌ها، نابسامانی زندگی اقتصادی، اثرپذیری روزافزون دولت‌ها از قدرت‌های بزرگ و غیره زمینه‌ساز آشوب‌های کنونی در سرزمین‌های عربی شده است. (دهشیار، ۱۳۸۹: ۴-۵) تحولات جدید سیاسی — امنیتی و ژئوپلیتیک؛ ساخت قدرت و سیاست در خاورمیانه را به نفع ایران تغییر داده و همین امر، آثار و عواقب منفی بر منافع استراتژیک امریکا در منطقه، متحدان منطقه‌ای آن در جهان عرب و موقعیت رژیم صهیونیستی داشته است. افزایش نقش و اهمیت تأثیرگذاری ایران در خاورمیانه بعد از وقوع بیداری اسلامی، در درجه اول به افزایش روزافزون اهمیت مسائل خاورمیانه در نظام بین‌الملل بازمی‌گردد. به همین نسبت و در درجه دوم، ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگی‌های طبیعی ژئوپلیتیک از یک سو و ساخت فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت و سیاست از سوی دیگر، به‌عنوان مهم‌ترین کشور تأثیرگذار بر مسائل خاورمیانه حائز اهمیت می‌شود. در این فضای جدید، کشور ما نیز در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته، به‌گونه‌ای که مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته و آن را به صورت کانون جاذبه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی درآورده است. این موقعیت نه‌تنها باعث تأثیرگذاری ایران در روند تحولات جهانی و منطقه‌ای می‌شود، بلکه کارکرد مناطق اطراف نیز می‌تواند مسائل ایران را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از مهم‌ترین مصادیق این تأثیرگذاری رویکرد ایران در قبال تحولات اخیر خاورمیانه به‌ویژه در دو کشور سوریه و بحرین است. از همان آغاز ناآرامی، حمایت ایران از نظام سوریه آشکار بود. سوریه برای سال‌ها نقش دروازه ورود ایران به جهان و اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را بر عهده داشته است. از این رو تضعیف سوریه و سرنگونی اسد باعث تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و مهار آن می‌شود. از طرفی نیز درباره تحولات اخیر بحرین نیز باید گفت که سررشته سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشور بحرین به زنجیره بی‌شماری از عناصر تأثیرگذار همچون تأثیر آموزه‌ها و تعلقات مذهبی، نگاه تاریخی و آرمان‌گرایی سنتی ایرانی‌ها نسبت به دوستان و دشمنان و محیط ذهنی و پیرامونی، پیوسته است که به دلیل تعدد و در هم تنیدگی این عناصر، امکان تعیین وزن هر یک از آن‌ها کاری دشوار است. بر این اساس نوشتار حاضر با تأکید بر نظریه سازه‌نگاری به دنبال پاسخ به این پرسش است

که چرا جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر در سوریه و بحرین رویکردی دوگانه اتخاذ کرده است. فرضیه این تحقیق بر این مبناست که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون منافع ملی و باورها و ارزش‌ها، رویکردی دوگانه در قبال دو کشور بحرین و سوریه اتخاذ کرده است، به‌گونه‌ای که در بحرین خواهان تغییر حکومت و در سوریه از حکومت فعلی حمایت می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

کتاب «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل» اثر دکتر حمیرا مشیرزاده، این کتاب یکی از مهم‌ترین آثار تألیفی در حوزه نظریه‌های روابط بین‌الملل است. از نقاط قوت این کتاب مقدمه جامع و کامل آن است که مفاهیم نظریه، نظریه‌پردازی و مباحث فراتر از روابط بین‌الملل را تعریف و تبیین کرده است. نویسنده با پرداختن به مناظرات نظری مطرح در عرصه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل، خواننده را با تحولات و تطورات این رشته آشنا می‌سازد و او را قادر می‌سازد نقاط عطف و دگرگون‌کننده گفتمان‌ها و مکاتب گوناگون رایج در این رشته را بشناسد. دکتر مشیرزاده در هر فصل از کتاب سیر تحول نظری، نظریه‌های روابط بین‌الملل را بیان کرده، آن را از جنبه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. او در هر فصل به طرح و نقد دیدگاه‌های نظریه‌پردازان و اندیشمندان مطرح هر نظریه می‌پردازد و با نقل‌قول مستقیم از آن‌ها، خواننده را در معرض اندیشه و افکار آن‌ها به صورت بی‌واسطه قرار می‌دهد. از نکات قابل نقد کتاب فقدان ارتباط میان ترجمه متن اصلی با ذائقه و بیانش مخاطب فارسی‌زبان است. به‌عبارت‌دیگر، در برخی نقل‌قول‌ها صرفاً به ترجمه بسنده شده است و توضیحی برای روان‌سازی و فهم متعارف آن صورت نگرفته است که این مسئله می‌تواند برای دانشجوی سال‌های ابتدایی این حوزه مطالعاتی ایجاد مشکل کند.

کتاب «کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب» از دکتر سید امیر نیاکویی که در هشت فصل نگاشته شده، از مهم‌ترین کتاب‌های حال حاضر در بحث انقلاب‌ها و تحولات اخیر جهان عرب است. فصل اول کتاب به چهارچوب نظری اختصاص دارد؛ در این فصل دیدگاه‌های مختلفی که در رابطه با تحولات اخیر بیان شده مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت متدولوژی جامعه‌شناسی تاریخی برای تحلیل تحولات جهان عرب انتخاب شده است. به نظر نویسنده کشورهای دستخوش بحران دارای ساختارها و نهادهای متفاوتی هستند و تفاوت‌های فراوانی در آن‌ها یافت می‌شود؛ بنابراین، به جای طبقه‌بندی کلی تحولات این کشورها در قالب بهار عربی یا قیام‌های به‌هم‌پیوسته جهان عرب بهتر است تا

با مطالعه موردی ساختارهای اجتماعی و جمعیتی، ماهیت دولت، نهاد ارتش، اوضاع اقتصادی، فرهنگ‌ها و احزاب سیاسی مختلف و روند اعتراضات در هر کشور و در نهایت ابعاد خارجی تحولات و واکنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به تبیین دقیق‌تر تحولات در کشورهای تونس، مصر، بحرین، لیبی، سوریه و یمن پرداخته، با انجام مقایسه‌های تطبیقی، چرایی پیامدهای مختلف اعتراضات سیاسی در کشورهای فوق نیز تبیین شوند. بر اساس این، فصول دوم تا هفتم کتاب به ابعاد تحولات اخیر در کشورهای تونس، مصر، بحرین، یمن، سوریه و لیبی اختصاص دارد. در نهایت، فصل هشتم کتاب نیز به نتیجه‌گیری و یافته‌های تحقیق اختصاص دارد.

مقاله «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن» به نوشته حسینعلی توتی و احمد دوست محمدی، در فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. با توجه به اهمیت تحولات اخیر در خاورمیانه، این مقاله به بررسی و تجزیه و تحلیل ظرفیت‌های موجود در بطن این تحولات برای انقلاب اسلامی ایران، در راستای تأثیرگذاری به این تحولات پرداخته است. نویسندگان بر این باورند که پیش از بازشناسی محتوای اندیشه‌ورزی و قدرت نرم‌افزاری ایران در عرصه‌های جهانی، باید به تجزیه و تحلیل این بخش از قدرت نرم ایران در سطح خاورمیانه به‌ویژه کشور بحرین پرداخت. همچنین برای بهینه‌سازی فرصت‌های موجود در تحولات اخیر راهبردهایی ارائه شده است. در این پژوهش با تبیین دگرگونی‌های کشورهای بحرین، با در نظر گرفتن علایق جمهوری اسلامی ایران، در این تحولات، جایگاهش در روند دگرگونی‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل راهبردهای سیاست خارجی ایران به‌عنوان قدرت اثرگذار در این تحولات، موضوع بررسی بیشتر این مقاله است.

مقاله «نقش و راهبرد امریکا در گسترش نافرمانی سوریه» از دکتر ابراهیم متقی که توسط فصلنامه ره نامه سیاست‌گذاری به چاپ رسیده است. این مقاله با این مقدمه بحث مورد نظر خود را پیش می‌برد که درباره تحولات سوریه تفسیرهای متفاوتی وجود دارد. برخی از تحلیلگران چنین فرایندی را ناشی از اراده گروه‌های اجتماعی در سوریه می‌دانند. آنان در تحلیل خود، رویکرد مبتنی بر اقتدارگرایی سیاسی دولت سوریه را عامل اصلی بحران اجتماعی می‌دانند. گروه دیگری بر این اعتقادند که سوریه مرز ژئوپلیتیکی رادیکالیسم سیاسی محافظه‌کاری جهان غرب محسوب می‌شود؛ بنابراین، امریکا و کشورهای محافظه‌کار جهان عرب در صدد هستند تا زمینه‌های افول قدرت دولت‌های رادیکال را فراهم آورند. بر اساس چنین نگرشی، امریکا در صدد است تا براندازی سیاسی در سوریه را از طریق نافرمانی مدنی و آشوب سیاسی تأمین و سازمان‌دهی کند. باید گفت که در این مقاله تلاش می‌شود تا اول، ساختار اجتماعی سوریه مورد بررسی قرار گیرد؛ دوم، راهبرد

تغییر رژیم امریکا در سوریه تبیین شود. سیاست خارجی اوباما در خاورمیانه بر این موضوع قرار گرفته است که می‌تواند حکومت‌های رادیکال و انقلابی را از طریق انقلاب‌های دموکراتیک در وضعیت براندازی قرار داد. این امر به‌عنوان الگوی کم‌هزینه برای تغییر سیاسی و پایان مشروعیت انقلابی دولت‌های ضد امریکایی در خاورمیانه محسوب می‌شود. هدف امریکا از به‌کارگیری سیاست تغییر رژیم در سوریه را می‌توان مقابله غیرمستقیم با موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه دانست.

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای - اسنادی برای گردآوری داده‌های مورد نیاز و از روش توصیفی - تحلیلی برای تشریح موضوع پژوهش حاضر استفاده شده است. بیداری اسلامی در بحرین، رویکرد ایران در تحولات انقلابی بحرین، تحولات سوریه و رویکرد ایران در قبال این تحولات از جمله مؤلفه‌هایی هستند که با استفاده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴. مبانی نظری تحقیق

۴-۱. سازه‌نگاری

سازه‌نگاری امروزه در کنار واقع‌گرایی و لیبرالیسم به یکی از سه رویکرد اصلی در روابط بین‌الملل تبدیل شده است. اگرچه بسیاری از پژوهشگران در مورد اینکه سازه‌نگاری به ایجاد یک الگو می‌انجامد تردید دارند، اما حتی منتقدان نیز جایگاه آن را به‌عنوان یک رویکرد تصدیق می‌کنند. سازه‌نگاری فراتر از گستره نظریه غالب امنیت کنونی می‌رود و اهمیت اساسی آن در به تصویر کشیدن امنیت افراد و دولت‌ها به‌مثابه برساخته‌های اجتماعی است. در مقابل واقع‌گرایان و نواقع‌گرایان، امنیت فرد و دولت را به‌مثابه یک مفهوم ایستا، تغییرناپذیر و ثابت به تصویر می‌کشند. (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۳۲۰)

استیو اسمیت (Steve Smith) در بحث سودمندی سازه‌نگاری در تحلیل سیاست خارجی بر این نکته پافشاری می‌کند که سازه اجتماعی بر پایه این مفروض است که بازیگر خود، جهان خود را می‌سازد. این مفروض در اکثر متون تحلیل سیاست خارجی هم دیده می‌شود. بر همین اساس ونت می‌گوید: سیاست خارجی همان چیزی است که کشورها می‌سازند. این نگاه مغایر با آن دست از رهیافت‌های روابط بین‌الملل است که ساختار سیستم بین‌الملل را علت رفتار کشورها می‌داند. (Smit, 2001:39) به تعبیر نیزار مساری، (Neyzar Massari)

سیاست خارجی عملکرد سیاسی هویت‌ساز است که ارتباط با «دگر» نقش مهمی در آن دارد. خود و دگر متقابلاً یکدیگر را می‌سازند و از سوی دیگر محیط بین‌المللی نیز آن‌ها را پدید می‌آورد، هم می‌سازند و هم ساخته می‌شوند. (کوبالکوا، ۱۳۹۲: ۲۳۹) از دیدگاه پرایس و روس - اسمیت، مهم‌ترین مفروضات هستی‌شناسانه سازه‌انگاران در مورد زندگی اجتماعی و تأثیرشان بر سیاست‌های جهانی عبارت‌اند از:

الف) اهمیت ساختارهای هنجاری یا انگاره‌ای و ساختارهای مادی: سازه‌انگاران اعتقاد دارند که نظام‌های معنایی تعریف می‌کنند که چگونه کنش‌گران محیط مادی‌شان را تفسیر می‌کنند. همان‌طور که ونت اظهار کرده «منابع مادی به کنش‌های انسانی از طریق ساختار شناخت مشتری که در آن ریشه دارند، معنا می‌دهند.» سازه‌انگاران همچنین بر انگاره‌ها تأکید می‌کنند. انگاره‌ها، نظام‌های معنایی نهادینه‌شده‌ای هستند که هویت‌های جمعی کنش‌گران را تعریف می‌کنند و این هویت‌های جمعی به منافع بازیگران و کنش‌هایشان شکل می‌دهند.

ب) مفروضه دوم، این است که هویت‌ها به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند. نئورالیست‌ها و نئولیبرال‌ها پرسش‌های مربوط به شکل‌گیری منافع را رها می‌کنند و اعتقاد دارند که آن‌ها قبل از تعاملات اجتماعی موجودیت داشته‌اند، اما سازه‌انگاران بر آن هستند که منافع و کنش‌ها در درون تعامل شکل می‌گیرد. آن‌ها استدلال می‌کنند؛ شناخت اینکه چگونه منافع شکل می‌گیرد، برای تبیین تعداد زیادی از پدیده‌های بین‌المللی که عقل‌گرایان فراموش می‌کنند یا نمی‌شناسند، کلیدی است. بنابراین، در توضیح شکل‌گیری ترجیحات، سازه‌انگاران بر هویت اجتماعی کنش‌گران تمرکز می‌کنند. آن‌چنان‌که ونت (Wendt) می‌گوید: «هویت‌ها، اساس منافع هستند.»

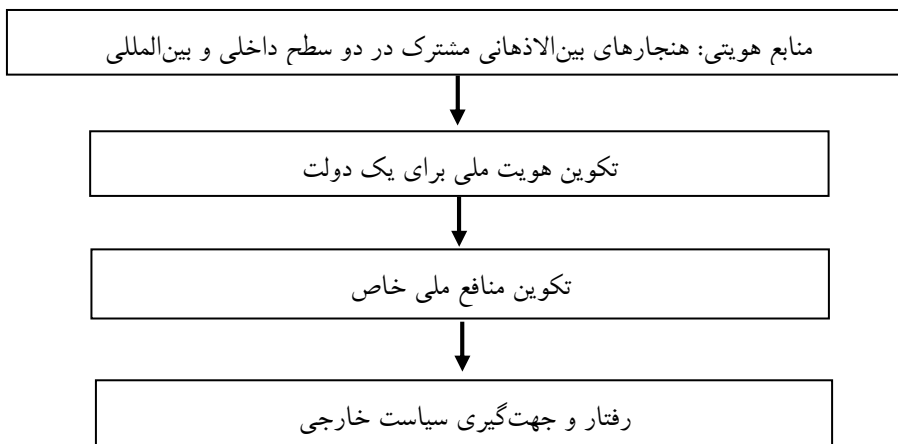
ج) مفروضه سوم آن است که کارگزاران و ساختار به‌طور متقابل به همدیگر قوام می‌بخشند. همان‌گونه که پیش‌ازین گفته شد، سازه‌انگاران بر روشی تأکید می‌کنند که در آن ساختارهای هنجاری یا انگاره‌ای، معنا و هویت کنش‌گران فردی و الگوهای فعالیت متناسب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تعریف می‌کنند، اما علی‌رغم قدرت بسیار سازه‌ای که به آن ساختار نسبت می‌دهند، اصرار دارند که آن‌ها مستقل از رویه‌های قابل‌شناخت کارگزاران اجتماعی نیستند. به پیروی از آنتونی گیدنز و سایر ساختارگرایان، آن‌ها ادعا می‌کنند که ساختارهای اجتماعی چیزی بیشتر از رویه‌های گفتمانی و فیزیکی نیستند. (Richard & Reus-Smith, 1998: 226-227)

۲-۴. هویت از دیدگاه سازه‌انگاری

هویت کنش‌گران نیز در کانون رهیافت سازه‌انگاری، جایگاه ویژه‌ای دارد. هویت به معنای فهم و انتظارات درباره خود و مرتبط با نقش پذیرفته‌شده، است. هویت‌ها به گزینش‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل نیز به آن‌ها شکل می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۹۲:۱۲۶) موضوع هویت کنش‌گران در عرصه روابط بین‌الملل، در کانون رهیافت سازه‌انگاری است. از این منظر، هویت‌ها و الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل به گزینش‌های عقلانی شکل می‌دهند، به این معنا که بازیگران نظام بین‌الملل با هویت‌های خاص خود، برداشت‌های خاصی از خود را در رابطه با سایر کنش‌گران نشان می‌دهند و از این طریق منافع خاصی تولید می‌کنند و به تصمیم‌های خود شکل می‌دهند. اینکه «خود»، خود را دوست، رقیب یا دشمن «دیگری» بداند، تفاوت زیادی در تعامل میان آن‌ها ایجاد خواهد کرد. (Wendt, 1990:384-396)

سازه‌انگاران، هویت‌ها را پایه و اساس منافع می‌دانند و بر این باورند که دولت‌ها بر اساس هویتی که دارند، منافع خود را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، هویت‌ها از طریق مشخص کردن اینکه دولت‌ها چه و که هستند، مجموعه‌ای از منافع و ارجحیت‌ها را با توجه به گزینه‌های اقدام در یک حوزه موضوعی خاص و با توجه به بازیگران خاص ایجاد می‌کنند. آن‌ها رابطه میان منافع و هویت را به وسیله نقش تحلیل می‌کنند. همان‌طور که در شکل ۱-۲ نشان داده شده است، به نظر آن‌ها هر هویتی برای یک کشور، یک نقش ملی معینی را ایجاد می‌کند که این نقش ملی معین، منافع ملی خاصی را تکوین داده و باعث رفتار خاصی می‌شود.

نمودار ۱: مدل سازه‌انگارانه از تجزیه و تحلیل سیاست خارجی



(منبع: رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۴۷)

توجه به اجتماعی بودن هویت دولت‌ها و برساخته شدن این هویت در جریان تعاملات میان آن‌ها، سازه‌انگاران را متوجه فهم جدیدی از امنیت می‌کند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. ریشه‌های مفهوم امنیت هویتی به‌خصوص در سطح فردی در مطالعات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از نظریه «وجود انسانی» آنتونی گیدنز (Anthony Giddens) در سطح فردی استنتاج شده است. آنتونی گیدنز، امنیت هستی‌شناسانه را به صورت نیاز اساسی و اولیه افراد تعریف می‌کند. از نظر گیدنز، امنیت هستی‌شناسانه عبارت است از احساس ایمنی فرد در جهان که شامل اعتماد و اطمینان پایه‌ای و اولیه سایر مردم نیز می‌شود. جلب چنین اعتماد و اطمینانی برای اینکه شخص احساس آرامش خود را حفظ کند، ضروری است. (Giddens, 1971: 65) با توجه به این امر، رویکردهای متفاوت جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه و بحرین را می‌توان با تکیه بر نظریه سازه‌انگاری تبیین کرد. به عبارتی، ایران با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون منافع ملی و باورها و ارزش‌ها در سوریه به دنبال حفظ نظام حاکم و در بحرین از تغییر در حکومت فعلی حمایت می‌کند.

۵. جمهوری اسلامی ایران و تحولات بحرین و سوریه

۵-۱. بیداری اسلامی در بحرین

نویایی کشور بحرین، زمینه نداشتن بلوغ سیاسی، نوعی وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای این کشور فراهم آورده است. به همین دلیل موج‌های کوتاه بحران‌زا باعث تنش و ناپایداری درونی آن می‌شود. (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۱۹۵) تظاهرات ضد دولتی چندین کشور در خاورمیانه در اوایل سال ۲۰۱۱ گریبان‌گیر بحرین نیز شد. معترضان با الهام از رویدادهای اخیر در مصر و تونس، تظاهرات خود را در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز کردند که این تنش در میان توده مردمی با طبقه حاکم در جریان است. جمعیت معترضان در ۲۲ فوریه همان سال به اوج خود رسید و بیش از یک‌صد هزار معترض در میدان لؤلؤ گرد هم آمدند. دولت حاکم بحرین نیز اجرای تاکتیک‌های سرکوب‌گرایانه علیه اپوزیسیون، از جمله استفاده از زور، بازداشت دسته‌جمعی و شکنجه را در دستور کار خود قرار داد. اعلام حالت فوق‌العاده، شکاف فزاینده دولت و جامعه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز خاندان آل خلیفه را می‌توان اصلی‌ترین عوامل بروز تحولات و اعتراضات سیاسی کنونی مردم بحرین محسوب کرد. این شکاف، ریشه‌ای تاریخی دارد و متغیرهای سیاسی - امنیتی داخلی و خارجی بر آن تأثیر می‌گذارند. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بروز بیداری اسلامی در بحرین عبارت‌اند از:

۱. وجود حکومت استبدادی و غیردموکراتیک: بر اساس قانون اساسی که در سال ۱۹۷۳ به تصویب رسید، پادشاه قادر است که نخست‌وزیر خود را انتخاب کند و بر فعالیت او نظارت داشته باشد و نخست‌وزیر نیز متقابلاً به او پاسخگو است و هیچ مسئولیتی در قبال نهاد دیگری ندارد. از سوی دیگر، در قانون اساسی بحرین، حکومت موروثی است و مردم هیچ نقشی در انتخاب پادشاه ندارند.

۲. وابستگی دولت بحرین به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اتخاذ سیاست‌های همسو با آنان و بی‌توجهی به افکار عمومی در ایجاد و اجرای سیاست خارجی: با نگاهی به سیاست‌های بحرین در قبال تحولات منطقه، به خوبی مشخص می‌شود که بحرین به جای اتخاذ تصمیمات مستقل و پذیرش یک نقش فعال در تحولات منطقه، همواره از سیاست‌های ایالات متحده و سایر نیروهای فرامنطقه‌ای تبعیت و پشتیبانی کرده است.

۳. وجود تبعیض‌های قومی، نژادی و مذهبی: در بحرین قدرت سیاسی و اقتصادی در اختیار اقلیت است و در زمینه توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی، اجحاف زیادی بر شیعیان بحرین روا داشته شده است و این گروه که دارای اکثریت در کشور خود هستند، همواره در معرض تبعیض‌های گوناگون و به‌ویژه تبعیض مذهبی بوده‌اند. (Ibish, 2011: 41)

۴. انتخابات مجلس (پیش‌زمینه شکل‌گیری اعتراضات بحرین): یکی از دلایلی که نقش مهمی در ظهور و بروز خیزش‌های مردم بحرین در مقابل دولت این کشور داشت، به زمان پیش و پس از انتخابات مجلس در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۰ برمی‌گردد: نتایج این انتخابات نشان داد که مردم عمدتاً به کاندیداهای عمل‌گرا و مستقل از دولت رأی داده‌اند که وعده پیگیری مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به مردم داده بودند؛ بنابراین، مجلس این دوره شاهد حضور نمایندگانی بود که عمدتاً منعکس‌کننده خواست‌ها و علایق مردم بودند، نه دولت بحرین و طبیعی است که این امر برای دولت بحرین بسیار نگران‌کننده باشد. (بهرامی و خدادادی، ۱۹: ۱۳۸۹) نوام چامسکی (Noam Chomsky) اهمیت بحرین را بر خاسته از دو عامل مهم می‌داند. در ابتدا معتقد است که این کشور از دیرباز به دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، اما عدم برخورداری بحرین از یک سیستم دفاعی نیرومند و احساس ضعف در این مورد، بحرین را متمایل به قدرت‌های دیگر، به خصوص آمریکا و عربستان ساخته است. وی عامل دوم را مربوط به مذهب می‌داند. هفتاد درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند. در بحرین، «جمعیت الوفاق»، بزرگ‌ترین گروه شیعه مخالف است که در تحولات اخیر، با توجه به تبعیضات اعمال‌شده در قبال شیعیان، تظاهراتی را در شمال این کشور با هدف انحلال پارلمان، لغو انتخابات میان‌دوره‌ای و ایجاد راهکار سیاسی برای حل بحران کنونی در کشور و انجام اصلاحات سیاسی و قانون اساسی و آزادی بازداشت‌شدگان سیاسی انجام داد. علاوه بر این دو عامل، می‌توان از عامل سوم نیز نام برد و آن وضعیت امنیتی بحرین است. از دهه ۱۹۷۰ تا تحولات اخیر بحرین، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور علاوه بر تلاش برای رفع استبداد داخلی و کسب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، یک وجه بارز به خود گرفت که عبارت بود از موج اسلام‌گرایی و حرکت به سوی ارزش‌های اسلامی؛ نفوذ افکار اصلاح‌طلبی اسلامی از مصر، عراق و ایران به این کشور و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی این فرصت را به مبارزان مسلمان داد تا به‌طور جدی و فعال، خواهان اجرای اصول و ارزش‌های اسلامی در جامعه خود باشند و این امر که ذاتاً در تعارض با اصول و اهداف حکومت بحرین از یک طرف، و از طرف دیگر مخالف منافع کشورهای غربی به خصوص آمریکا بود، جنبش‌های اسلامی را در پی داشت که اهمیت این کشور را دوچندان کرد. با توجه به موقعیت و اهمیت ویژه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی بحرین در سطح خاورمیانه و جهان، این کشور از دیرباز شاهد چالش قدرت و رقابت مداوم قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده است. (عزتی، ۲۷: ۱۳۸۸)

۲-۵. ایران و تحولات انقلابی بحرین

با آغاز روند بیداری اسلامی در بحرین از فوریه ۲۰۱۱، شرایط دگرگون شد و به دلیل آنکه هر تغییر و تحولی در منطقه خلیج فارس تأثیر پایداری در سیاست داخلی (ثبات و امنیت اقتصادی، سیاسی و نظامی)، منطقه‌ای (گسترش یا محدود شدن حوزه نفوذ ایران در منطقه پیرامونی بر اساس شکل‌گیری الگوهای دوستی و دشمنی جدید مثل نزدیکی بیشتر ایران و عراق و در آینده بحرین) و فرامنطقه‌ای (کاهش یافتن تهدیدات فرامنطقه‌ای به علت محدود شدن دسترسی دشمنان ایران مثل امریکا و متحدانش به پایگاه‌های نظامی به واسطه از دست دادن هم‌پیمانانش در منطقه) خواهد داشت. از این‌رو حوادث بحرین هم از بُعد ملی و هم از بُعد ارزشی — ایدئولوژیک برای ایران اهمیت زیادی دارد. سقوط حکومت اقلیت دست‌نشانده در بحرین می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومتی شیعی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی به‌عنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت محدود شدن دسترسی نظامیان امریکا به پایگاه‌های منطقه خواهد شد از آنجا که عربستان سعودی با ارسال نیروهای نظامی خود به بحرین و سرکوب مخالفان شیعی، این موضوع را به یک موضوع فرقه‌ای مربوط به «رقابت شیعه و سنی» تبدیل کرده است، نه تنها واکنش ملت ایران، بلکه ملت‌های شیعی دیگر در عراق، لبنان و غیره را در پی داشته و به مسائل فرقه‌ای که یکی از خطرناک‌ترین شکل منازعه در خاورمیانه و منبع اصلی بی‌ثباتی برای امنیت منطقه و امنیت جهانی است، دامن زده است. از دید دولت‌های غربی و مخالف، در حال حاضر تحولی برای افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل‌گرفته و از منظر آن‌ها یک هلال شیعی از لبنان تا پاکستان ایجاد شده که می‌تواند تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. (عزتی، ۲۹:۱۳۸۹) از نگاه آنان، ایران تلاش دارد با ایجاد یک بلوک شیعی در منطقه، بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه‌ای امریکا و اسرائیل به کار گیرد. (پوراحمدی و جمالی، ۷:۱۳۸۸) سعودی‌ها نیز در تنش‌های مذهبی بحرین از خیزش شیعیان در منطقه خلیج فارس بیم دارند. با توجه به اینکه تعارض مذهبی بین شیعه و سنی در بحرین یکی از دلایل بروز اعتراضات اخیر مردم شیعه‌مذهب علیه دولت آل خلیفه سنی مذهب است، یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران به مانند گذشته باید بر این مبنا باشد که حمایت معنوی خویش را از شیعیان این کشور ادامه دهد و همچنین مردم مظلوم بحرین نیز با پیروی از الگوی انقلاب اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری با اعتراض به نظام حاکم به حقوقشان دست یابند. با توجه به شرایط امروز جهان اسلام خصوصاً بحرین، انتظار می‌رود موج سوم بیداری اسلامی (تحولات اخیر خاورمیانه) با پشتوانه موج دوم بیداری اسلامی (انقلاب اسلامی ایران)، به شکل‌گیری جلوه جدیدی از

تمدن اسلامی با احیای این تمدن در قالب‌های نو و متناسب با شرایط زمانی و مکانی موجود بینجامد. آن‌چنان‌که پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ ملت مسلمان ایران بود، بلکه توانست ایده‌ای جدید با مؤلفه‌ها و آرمان‌های نوین برای جهانیان محصور در خرد بی‌بنیان سوداگرانه عرضه کند. به دلیل آنکه بحرین یک کشور شیعی است، ایران هم به‌طور طبیعی همانند هر کشور دیگری به حق و حقوق هم‌نوعان و هم‌مذهبان خود در منطقه حساس است. از کل جمعیت ۶۳۳۰۰۰ نفری بحرین حدود ۶۱/۳ درصد را شیعیان تشکیل می‌دهند که مطابق با آمارهای موجود ۷۰ درصد بافت جمعیتی را در بحرین تشکیل می‌دهند که همین امر موجب همبستگی بیشتر با جمهوری اسلامی ایران که در واقع یکی از قطب‌های بزرگ جهان تشیع که از جمعیت ۷۰ میلیونی آن ۹۴ درصد را شیعیان دوازده‌امامی تشکیل می‌دهد، می‌شود. هویت ایرانی و شیعی مردم بحرین که برگرفته از تاریخ و سرنوشت مشترک این کشور با ایران تا قبل از جدا شدن آن در زمان رژیم پهلوی دوم، در کنار مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن باعث شده است که این کشور در راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره در کانون توجه قرار گیرد. به همین دلیل، جمهوری اسلامی ایران از هرگونه تحولات مردم‌سالارانه که مسلماً نتیجه آن به قدرت‌یابی شیعیان خواهد انجامید، استقبال می‌کند. از آغاز بحران، گروه‌های مختلف داخلی و به‌طور کلی مردم عادی نیز نوعی حس همبستگی و حمایت از هم‌نوعان نسبت به سرکوب مردم در بحرین داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که مسئله بحرین، در سطح افکار عمومی ایران بسیار بااهمیت است. (دهشیری و نجاتی آرانی، ۱۳۹۱: ۳۰۷-۳۰۱) تلاش در راستای اشاعه ارزش‌های اسلامی و نیز دفاع از مسلمانان که به‌مثابه رویکردی آگاهانه در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شود و پیامدهای آن مانند گسترش بیداری اسلامی به‌نوبه خود باعث بالا رفتن ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نیز آسان‌تر شدن دستیابی به اهداف ملی آن می‌شود را می‌توان افزایش عمق راهبردی ایران عنوان کرد. عمق راهبردی مفهومی است که اساساً به حوزه مطالعه‌های امنیتی و استراتژیک مربوط است و به توان بازدارندگی یک کشور با توجه به گستره نفوذ آن اشاره دارد. این مفهوم به ترکیبی از عوامل عینی و ژئوپلیتیک و ذهنی و ایدئولوژیک اشاره دارد که باعث می‌شود رقیبان و دشمنان یک کشور، عملاً از آسیب‌رسانی جدی به امنیت و منافع آن صرف‌نظر کنند. (توتی و محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۸) از این رو، مجموعه هزینه‌هایی که جمهوری اسلامی ایران بر اساس اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی خود در حوزه جهان اسلام می‌پردازد، ضمن انطباق با آرمان‌های آن، تقویت‌کننده عقبه استراتژیک جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. نمونه این امر در رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال حمایت از مردم مظلوم بحرین است که ضمن انطباق با مصالح امت اسلامی و داشتن هویت دینی واحد، از

طریق گسترش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران، تأمین‌کننده امنیت و منافع ملی مردم آن کشور نیز هست.

۳-۵. تحولات سوریه

بحران‌های بین‌المللی در خاورمیانه و آفریقا، به‌کرات رخ می‌دهند. در بعضی از این کشورها تعارضات میان دولت‌ها، ریشه در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درونی و داخلی کشورها دارد. در موارد و شواهد دیگر، عوامل خارجی بر آتش اختلافات داخلی دامن زده و آن را شعله‌ورتر کرده است. (پرچر، ۲۱۹:۱۳۸۲) شروع ناآرامی و خیزش‌ها در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از آنجا آغاز شد که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ در شهر سیدی بوزید تونس، پلیس، گاری دستی غیرمجاز یک جوان ۲۶ ساله سبزی‌فروش را مصادره کرد. محمد بو عزیز، صاحب گاری، که از این واقعه احساس تحقیر و ناتوانی می‌کرد، به یک ساختمان محلی دولتی رفت و خود را به آتش کشید. این واقعه پیش‌درآمد اعتراضات سیاسی گسترده‌ای شد که در نهایت به سقوط بن علی در تونس انجامید. تأثیر سرائیتی این رویداد بر سایر جوامع عرب به‌گونه‌ای بود که چندی بعد مبارک نیز در مصر سقوط کرد. (نیاکویی، ۱۳:۱۳۹۱) در لیبی سرسختی و خشونت فراگیر حکومت معمر قذافی را به دنبال داشت که سرانجام با دخالت نظامی کشورهای عضو ناتو، سقوط دیکتاتوری قذافی را به دنبال داشت. در یمن نیز قیام مردم باعث سقوط دیکتاتوری علی عبدالله صالح شد. همچنین دامنه اعتراضات کشورهای مختلفی چون بحرین، و سوریه را فراگرفت و در کشورهای دیگری چون مراکش، اردن و عربستان نیز اعتراضاتی به وقوع پیوست؛ در واقع، خودسوزی محمد بو عزیز، جوان دست‌فروش تونس، نه تنها خشم مردم را نسبت به نظام دیکتاتوری بن علی شعله‌ور کرد، بلکه تونس را طلایه‌دار خیزش نوینی کرده که تاکنون خواب از چشم نظام‌های دیکتاتوری ظالم و مستبد ربوده است. این امواج خیزش‌ها در ایران به‌عنوان «خیزش اسلامی» و در غرب با عنوان «بهار عربی» شناخته می‌شوند. با شروع بیداری اسلامی جنبش‌های رهایی‌بخش خاورمیانه که منجر به سقوط چندین حاکم مستبد در کشورهای اسلامی شد، مردم سوریه هم از این حرکت بی‌نصیب نماندند. نقطه آغاز بروز بحران سیاسی سوریه، سال ۲۰۱۱ و انجام تظاهراتی به شکل عمده در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد، انجام اصلاحات و کسب آزادی بوده است. مردم سوریه با الهام گرفتن از سایر انقلاب‌ها، اگرچه دیرتر از سایر کشورهای عربی به خیابان‌ها ریختند و خواهان اصلاحات و تغییر اوضاع خود شدند؛ اگرچه اعتراضات مردم به دلیل وادار کردن نظام به اصلاحات در حال رسیدن به نتایج

قابل قبول بود، اما برخی از گروه‌های مخالف نظام دست به اسلحه بردند و اعتراضات به مرحله خون‌بار خود رسید. (آجرلو، ۱۳۹۰: ۵۹)

درباره تحولات سوریه تفسیرها و دیدگاه‌های مختلف و حتی متعارضی وجود دارد. برخی از تحلیلگران چنین فرایندی را ناشی از گروه‌های اجتماعی در سوریه می‌دانند. آنان در تحلیل خود، رویکرد مبتنی بر اقتدارگرایی سیاسی دولت سوریه را عامل اصلی بحران می‌دانند. گروه دیگری بر این اعتقادند که سوریه مرز ژئوپلیتیکی رادیکالیسم سیاسی محافظه‌کاری غرب محسوب می‌شود؛ بنابراین، امریکا و کشورهای محافظه‌کار عرب در صدد هستند تا زمینه افول قدرت دولت‌های رادیکال را فراهم آورند. (متقی، ۱۳۹۰: ۹)

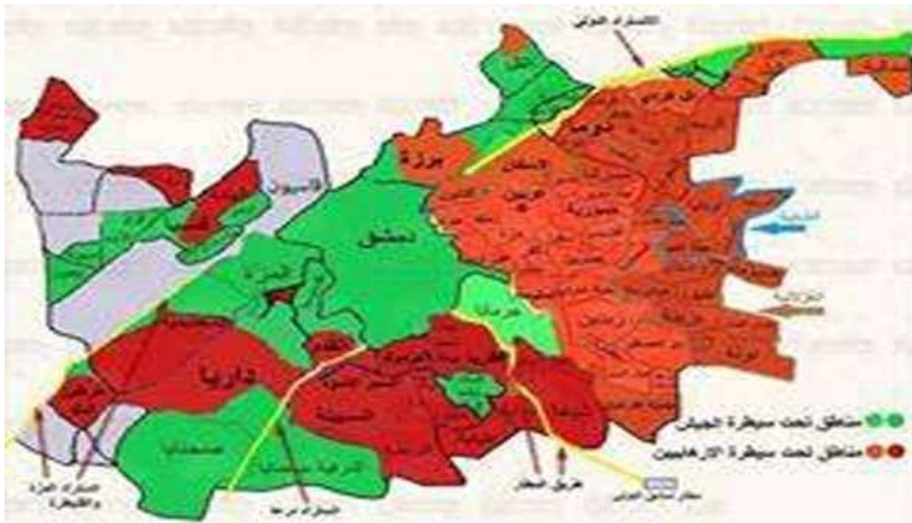
گروه اول ناآرامی و بحران در سوریه را تنها امتداد جنبش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌دانند. در این دیدگاه، سوریه همانند کشورهای عربی، گرفتار مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که مردم آن برای رهایی از این مشکلات، دست به اعتراض و مبارزه علیه رژیم زده‌اند. این گروه بر این اعتقادند که معترضین برای دموکراسی فعالیت می‌کنند، خواهان حقوق سیاسی و آزادی هستند و این بزرگ‌ترین دغدغه شبیه آنچه در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا رخ می‌دهد، است. از طرف دیگر، عده‌ای از ناظران بین‌المللی بر این اعتقادند که حوادث سوریه بیش از آنکه منشأ داخلی داشته باشد، دارای منبع خارجی است و مشکلات داخلی سوریه عرصه و فرصتی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. بر اساس این استدلال، سوریه همچنان قربانی می‌شود، نه تنها در درگیری‌های خشونت‌آمیز با ارتش، بلکه با سیاست‌های مختلف بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۹۹) برخی از کارشناسان معتقد به دیدگاه و تحلیل دوم، با استناد به دخالت‌های امریکا، فرانسه، آلمان، اسرائیل، عربستان سعودی، قطر و ترکیه در بی‌ثبات‌سازی سوریه، بر این باورند که جوهره اعتراضات در این کشور، متفاوت از جنبش‌های مردمی کشورهای منطقه است. بر اساس این دیدگاه، مداخله بازیگران خارجی در تحولات داخلی سوریه به منزله یاری به مردم نیست، بلکه مردم توسط عوامل بیرونی مسلح و مجهز شده و سپس کشته می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان گفت سطح تحلیل گروه اول فاقد نگاه دقیق و راهبردی به تحولات و ناآرامی‌های سوریه است؛ به این دلیل که در این نوع تحلیل صرفاً متغیرهای داخلی (وضعیت داخلی این کشور) مورد بررسی قرار می‌گیرد و به عوامل بیرونی این تحولات و ناآرامی‌ها توجهی نکرده و آن‌ها را نادیده می‌گیرد. گرچه سوریه از مشکلات فراوان و جدی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برد، اما ناآرامی‌های این کشور از نوع خیزش‌های مردمی و بیداری اسلامی نیست، و پیچیدگی و تشدید بحران در این کشور تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و همچنین متأثر از معادلات بین‌المللی

است که برای تبیین دقیق آن باید متغیرهای مذکور را در تحلیل وضعیت این کشور مورد نظر و بررسی قرار داد.

۴-۵. ایران و تحولات سوریه

موج انقلاب‌ها در کشورهای عربی تأثیر فراوانی بر موقعیت و منافع راهبردی منطقه‌ای ایران خواهد داشت. مهم‌ترین آن‌ها رسیدن این امواج به متحد منطقه‌ای خود یعنی سوریه و در رأس آن رئیس‌جمهور آن بشار اسد است. از همان آغاز ناآرامی، حمایت ایران از نظام سوریه آشکار بود. در مورد سوریه برخلاف سیاست خارجی خود که از جمله مبارزه با مستکبران و یاری به مستضعفین است، رفتار کرده است. به این معنی که سیاست خارجی آن در قبال مسئله برخلاف انقلاب‌های عربی و بحرین که از مردم پشتیبانی می‌کرد؛ در سوریه از رژیم بشار اسد حمایت می‌کند و به جای توجه به اصول سیاست خارجی تابع منافع ملی و استراتژیک خود در منطقه بوده است. (ناجی، ۲۰۱۳: ۲۳) جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به انتقادات فوق به این نکته اشاره می‌کند که در سوریه برخلاف بحرین که اکثریت مردم با رژیم آن کشور مخالفاند و فقط اقلیت ضعیفی حامی دولت هستند؛ موضوع کاملاً برعکس است و اکثریت مردم از دولت سوریه پشتیبانی می‌کنند و مخالفان را گروه‌هایی مانند القاعده و اخوان‌المسلمین، با گرایش‌های سلفی تشکیل می‌دهند که در شهرهای مرزی مستقر بوده و از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرتمند خارجی برخوردار هستند. از لحاظ ژئوپلیتیک نیز به این نکته اشاره می‌شود که اینک عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است؛ بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به‌عنوان خط‌مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. تام دانیلون (Thomas E. "Tom" Donilon)، مشاور امنیت ملی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۱، صریحاً اعلام کرد: «پایان رژیم اسد موجب بزرگ‌ترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و برهم‌خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود.» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲) به این ترتیب بازیگرانی چون ترکیه، فرانسه، عربستان سعودی و قطر به‌عنوان حامیان منطقه‌ای مخالفان و مشخصاً جبهه موسوم به ارتش آزاد سوریه، اصلی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین تشکل مخالف بشار اسد، سعی در تشدید بحران، فشار بر اسد با هدف کناره‌گیری یا سرنگونی وی دارند. ترکیه که از دیرباز متحد استراتژیک آمریکا بوده است، اما باید در نظر داشت که تا ابتدای سده بیست و یکم، جسم این هم‌پیمان در منطقه و روحش در اروپا سیر می‌کرد و تنها از سال ۲۰۰۲ و با روی‌کارآمدن حزب عدالت و توسعه بود که این کشور به خاورمیانه روی بازگرداند. ترک‌ها خوب می‌دانند که در شرق اروپا راه بسته است و نمی‌توانند نفوذ ژئوپلیتیکی خود را گسترش دهند؛ بنابراین، باید بر سرزمین‌های آبا و اجدادی، یعنی قلمرو امپراتوری عثمانی سرمایه‌گذاری کنند. نفوذ در منطقه بالکان و خاورمیانه می‌تواند قلمرو ژئوپلیتیکی این

کشور را گسترش داده، بالتبع این کشور را تبدیل به قدرت عمده منطقه‌ای کند. در این راستا، ترکیه برای دسترسی به خاورمیانه و افزایش نفوذ در این منطقه، منافع خود را در بودن دولتی دست‌نشانده در سوریه می‌بیند نه دولتی هم‌پیمان ایران در مرزهای این کشور. بر این اساس، می‌توان تلاش‌های گسترده این کشور برای سازمان‌دهی اپوزیسیون سوریه را مورد توجه قرار داد. همچنین لازم به ذکر است که اخوان‌المسلمین سوریه به‌عنوان قوی‌ترین جریان اپوزیسیون در این کشور پیوندهای عمیقی با دولت ترکیه دارد. درباره فرانسه نیز باید گفت که این کشور به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ اتحادیه اروپا و کشوری که همچنان مایل است به‌رغم افول قدرت ملی‌اش در معادلات بین‌المللی نقش داشته باشد. در سال‌های اخیر در مداخلات نظامی متعددی به‌ویژه در مناطقی که آن‌ها را در زمره حوزه نفوذ خود می‌داند، شرکت کرده است. اعلام آمادگی فرانسه برای مداخله نظامی در سوریه نیز در راستای سیاست‌های این کشور صورت گرفته است. فرانسه در پی آن است که با تغییر رژیم در سوریه با توجه به اصطکاک منافی که با ایران در منطقه و به‌ویژه در لبنان دارد، به تحکیم نفوذ خود در این منطقه پردازد و در این مسیر به همکاری بیشتر با عربستان سعودی و سایر شیخ‌نشین‌های منطقه خلیج فارس روی آورده است. از عمده‌ترین انگیزه‌های مشترک جبهه قدرت‌های منطقه‌ای مخالفان اسد می‌توان به سیاست مهار ایران و همچنین جلوگیری از قدرت روزافزون محور مقاومت با نقش‌آفرینی ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان اشاره کرد. (برزگر، ۱۳۹۲: ۱۸۲) سوریه به‌عنوان مهم‌ترین متحد ایران در منطقه، از جایگاه خاصی در سیاست خارجی این کشور برخوردار است. سوریه در طول سه دهه گذشته، تنها متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده است. دو کشور تعاملات و همکاری راهبردی مهمی تجربه کرده‌اند. مخالفت با حضور و نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضداسرائیلی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای ایران و سوریه به شمار می‌رود که دو کشور را به رکن اصلی محور مقاومت تبدیل کرده‌اند. سوریه به لحاظ راهبردی بیشترین اهمیت را برای جمهوری اسلامی ایران دارد و عرصه‌ای مهم برای حمایت ایران از گروه‌های مقاومت، نقش‌آفرینی منطقه‌ای و گسترش توان بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و غرب محسوب می‌شود. بر این اساس آغاز ناآرامی‌ها در سوریه و گسترش تشدید بحران در این کشور بیشترین نگرانی‌ها را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۶۹)



نقشه مناطق تحت تصرف گروه‌های معارض سوری در سال ۲۰۱۳

۵-۵. تفاوت بیداری اسلامی در بحرین و سوریه

اما آنچه در عرصه سیاسی و اجتماعی سوریه می‌گذرد، با آنچه در کشورهای یادشده می‌گذرد، بسیار متفاوت است. اتفاق‌ها و تحولاتی که در کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین در حال جریان است، ناشی از خیزش مردمی در این کشورهاست، ولی در کشور سوریه این چنین نیست. مقامات دولت سوریه می‌گویند، این ناآرامی‌ها از خارج از کشور هدایت می‌شود و گروه‌های مسلح تحت حمایت غرب عامل کشتار غیرنظامیان هستند. از طرفی، با توجه به دژ مستحکمی که توسط ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان در برابر استکبار به‌ویژه رژیم صهیونیستی ایجاد شده و غرب و مزدوران آن‌ها در منطقه نتوانستند در ایران و حزب‌الله لبنان شیطنت کنند و از طرفی تحولات سریعی که در کشورهای عربی در حال وقوع است، غرب از افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران بسیار نگران است. به همین دلیل تلاش دارد تا ضمن سیاه‌نمایی اوضاع در سوریه، سیاست جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان هم‌پیمان سوریه در برابر تحولات منطقه را دوگانه جلوه دهد.

همچنین باز به دلیل سرعت زیاد گسترش اعتراض‌های مردمی در منطقه، انحراف افکار عمومی به سمت سوریه موجب می‌شود تا تحت‌الشعاع مسائل این کشور، این اعتراض‌ها مورد سرکوب حاکمان ظالم کشورهای منطقه با همکاری غرب و به‌ویژه امریکا قرار گیرد که می‌توان نمونه بارز آن را در کشور بحرین ملاحظه کرد. در مورد تأثیر رسانه‌های نظام سلطه در این رویدادها می‌توان به نحوه اطلاع‌رسانی این رسانه‌ها در شبکه‌های ماهواره‌ای مشهور جهان عرب مانند الجزیره، العربیه، BBC عربی، ۲۴ فرانسه و سایر شبکه‌های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس اشاره کرد. اغلب این شبکه‌ها که با هدایت عربستان سعودی و در حقیقت استکبار جهانی در مورد تحولات منطقه خبرپراکنی می‌کنند، پس از پوشش مناسب قیام‌های مردمی در تونس و مصر و تا حدودی لیبی، با توجه به خوف سران دیکتاتور منطقه از گسترش این اعتراض‌ها در کشورشان، با هجمه شدید رسانه‌ای به نظام سوریه و شخص بشار اسد، درصدد انحراف افکار عمومی به این سمت هستند تا از تشدید اعتراض‌ها در کشورهای منطقه مانند بحرین جلوگیری کنند و در همین راستا به‌روشنی دیده می‌شود که از انعکاس اخبار در مورد بحرین در شبکه‌های یادشده خودداری می‌شود. این تهاجم شدید رسانه‌ای علیه سوریه تنها در جهان عرب نیست، بلکه در سایر شبکه‌های خبری و ماهواره‌ای وابسته به غرب از جمله CNN و BBC و VOA فارسی و BBC فارسی ملاحظه می‌شود که عمدتاً نیز سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه را زیر سؤال می‌برند.

۶. نتیجه‌گیری

ماهیت رقابتی و پرتحول بیداری اسلامی به‌گونه‌ای است که همه بازیگران اصلی منطقه سعی دارند نظم جدیدی را بر اساس منافع و امنیت ملی خود تقویت کنند. ایران نیز در نقش یکی از دولت‌های مهم منطقه‌ای و دارای نگرانی‌های امنیتی از این امر مستثنا نیست. در سطح منطقه باید مدافع نسل جدیدی از نخبگان در ساختار سیاسی این کشورها باشد که دیدگاه غیردوستانه‌ای درباره ایران نداشته باشند و به راحتی وارد ائتلاف‌های ضدامنیتی ایران نشوند. با بروز تحولات سیاسی جدید در منطقه، بعد از وقوع انقلاب‌های جهان عرب درجه‌ای از حضور فعال ایران در منطقه و شرکت در روند تثبیت نقش‌ها و نظم‌های جدید اجتناب‌ناپذیر شده است، اما اصل مهم در تأمین منافع ملی ایران ایجاد تعادل بین درجه حضور ایران در محیط فوری و غیرفوری امنیتی و بهره‌گیری از فرصت‌ها در شرایط انتقالی منطقه است. هر تغییر و تحولی در منطقه پرالتهاپ خاورمیانه تأثیر پایداری در سیاست داخلی (ثبات و امنیت اقتصادی، سیاسی و نظامی)، منطقه‌ای (گسترش یا محدود شدن حوزه نفوذ ایران در منطقه پیرامونی بر اساس شکل‌گیری الگوهای دوستی و دشمنی جدید مثل

نزدیکی بیشتر ایران و عراق در آینده بحرین) و فرامنطقه‌ای (کاهش یافتن تهدیدات فرامنطقه‌ای به علت محدود شدن دسترسی دشمنان ایران مثل امریکا و متحدانش به پایگاه‌های نظامی به واسطه از دست دادن هم‌پیمانانشان در منطقه) خواهد داشت. از این روی درباره بیداری اسلامی در بحرین باید گفت که این رویداد هم از بُعد ملی و هویتی و هم از بُعد ارزشی — ایدئولوژیک برای ایران اهمیت زیادی دارد. سقوط حکومت اقلیت دست‌نشانده در بحرین می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومت شیعی و گسترش مناسبات جمهوری اسلامی ایران با آن و تضعیف عربستان سعودی به‌عنوان رقیب عمده ایران در منطقه و شورای همکاری خلیج فارس و در نهایت محدود شدن دسترسی نظامیان امریکا به پایگاه‌های آنان در منطقه خواهد شد. درباره تحولات اخیر سوریه و رویکرد و جهت‌گیری‌های ایران نیز باید گفت که سوریه برای سال‌ها نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب و اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را بر عهده داشته است. از این رو تضعیف سوریه و سرنگونی اسد باعث تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و مهار آن می‌شود. دولت ایران از آغاز بحران سوریه، تحولات این کشور را متفاوت از بهار عربی اعلام و آن را ناشی از فتنه‌گری‌های صهیونیست‌ها و حامیان آن‌ها، برای خدشه وارد کردن بر خط مقاومت در خاورمیانه می‌داند؛ بنابراین، باید گفت که تغییر قدرت در سوریه، مترادف با یک شیفت کامل سیاسی از تمایل و رابطه نزدیک با ایران به سمت ترکیه، عربستان سعودی و هم‌پیمانان آن خواهد بود. همچنین باید اشاره کرد که آنچه در سوریه می‌گذرد نسبت به بحرین و سایر کشورهای عربی منطقه بیداری اسلامی محسوب نمی‌شود، زیرا در سایر کشورها این مسئله برخاسته از نارضایتی داخلی مردم بود، ولی ما امروزه در سوریه شاهد آن هستیم که این اعتراضات رنگ و بوی دخالت کامل کشورهای خارجی با اهداف از پیش تعیین‌شده و بدون توجه به خواسته‌های مشروع مردم است؛ از این رو، می‌توان به این نتیجه رسید که رویکرد دوگانه جمهوری اسلامی ایران در قبال دو کشور بحرین و سوریه، به‌گونه‌ای که در بحرین خواهان تغییر حکومت، و در سوریه از حکومت فعلی حمایت می‌کند با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون منافع ملی و باورها و ارزش‌ها قابل توجیه و تبیین است.

کتاب‌نامه

الف - کتاب

۱. اخباری، محمد؛ نامی محمدحسن، (۱۳۸۹)، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول.
۲. برچر، مایکل؛ ویلکفلند، جانتان؛ جیمز، پاتریک و دیگران، (۱۳۸۲)، بحران، تعارض و بی‌ثباتی، ترجمه علی صبح‌دل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۳. برزگر، کیهان، (۱۳۹۲)، تحولات عربی، ایران و خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعه استراتژیک خاورمیانه، چاپ اول.
۴. بهرامی، قدرت‌الله؛ خدادادی، محمداسماعیل، (۱۳۸۹)، جغرافیای سیاسی - اقتصادی ایران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم: انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول.
۵. عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
۶. کوبالکواوا، وندولکا، (۱۳۹۲)، سیاست خارجی در جهان برساخته، ترجمه مهدی میرمحمدی و علیرضا خسروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۷. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت، چاپ هشتم.
۸. ناجی، محمد عباس، (۲۰۱۳)، ایران و الربیع العربی: اعتبارت متداخله و استحقاقات مؤجله، القاهرة: مرکز الاهرام للدراسات السياسيه والاستراتيجيه، الطبعة الأولى.
۹. نیاکویی، سید امیر، (۱۳۹۱)، کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

ب - مقالات

۱۰. اسدی، علی‌اکبر، (۱۳۹۱)، «بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای»، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰، ۱۶۹.
۱۱. پوراحمدی، حسین؛ جمالی، جمال، (۱۳۸۸)، «طرح هلال شیعی: اهداف، موانع و پیامدها»، قم: فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۲۶، ۷.

۱۲. توتی، حسینعلی؛ دوست محمدی، احمد، (۱۳۹۲)، «تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن»، قم: مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳، ۲۱۸.

۱۳. دهشیار، حسین، (۱۳۸۹)، «لیبی: قربانی امپریالیسم بشردوستانه»، تهران: ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال بیست و پنجم، شماره ۵، ۴-۵.

۱۴. دهشیری، محمدرضا؛ نجاتی آرانی، حمزه، (۱۳۹۱)، «چالش‌های مشترک فرهنگی مذهبی فراروی گفتمان بیداری اسلامی»، قم: فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، ۳۰۷-۳۰۱.

۱۵. رسولی ثانی‌آبادی، الهام، (۱۳۹۱)، «مدلی سازه‌نگارانه از تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری»، قم: فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵۸، ۴۷.

۱۶. متقی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، «نقش و راهبرد امریکا در گسترش نافرمانی سوریه»، تهران: فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره ۳، ۹.

۱۷. نیاکویی، سید امیر؛ بهمنش، حسین، (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴، ۱۳.

ج- اینترنتی

۱۸. چامسکی، نوام، (۱۳۹۰/۱۰/۱۱)، «امنیت منطقه در گرو ایران هسته‌ای است»،

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news//bodyView>

د- انگلیسی

19. Richard, Price&Reus-Smith,Christian(1998) Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivist, **European Journal of International Relation**, Vol. 4, No.3.

20. Smith,Steve(2001) Foreign Policy Is What States Make Of It: Social Construction and International Relation Theory, in: Vendulka Kubálková, **Foreign Policy in a Constructed World**, New York: M.E.Sharpe.

21. Wendt,Alexander(1999), **Social Theory of International Politics**, Cambridge: Cambridge University Press.

22. <http://www.bahrainembassy.org> (2008/1/20), Bahrain & NATO Security Deal.

23. www.infoplease.com, (2012/1/22).